



کناره

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، فسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: پاییز ۱۴۰۰]

| ویژه تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان، قفقاز و آناتولی |

- مسنون: آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی • ظریغ: نسخ پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوریان • ریشه‌شناسی دنام جغرافیایی مروط به آذربایجان اعلیٰ صافیو
نمایندگان و دیگر کنه‌های مخصوص گویشی امغوی / سده احمدیها قائم‌مقامی • آسماء و ایزدان: عوادگانی دور از هم با همراه مترک پادشاهی / بیهوده غولزیزیه، معدن‌قیمتی
• اشعار قطب‌اللین معنی‌الموی (آبروی) بهودز بهانی / دروده‌تلخ برگ سلطان سلوچی، آیا سلطان در صفر ۷/۷ قدر گذشت / محس شرقی صحی • جلسه‌مشتاق: ردالسنسی
کهن در حسره‌هصارب در مسخ و تبدیل ایلان / امهدی یالخی • ساقی تزیزی، غمال داشت‌دانه‌ای شاهدند در تبریز و قزلاری / اسکاد آیندو • پندال‌سلیمان درم، نصیحت‌الملوک‌هاد اتالوی اولیل
قون هشم هجری / ایس اس پیکاک از زیسته شکوهی میانی • سده نامه به فارسی سره از شاهه هشم در آناتولی در مدت‌گذشت «نامه سلطان» / امیر به مرشیس • سلطان ولد طرفت شاعرانه
پیکاری خصوصیات و کارکرد شمر در سنت مولویه پس از مولانی درمی / اولانکلین پیوسن، ترجمه، مترجم پیکاری خسے • بخشی در راه فردیک المراقة بر مبنای نسخه‌های
علی شاپوران • سفینه‌نویسی و مخدوخته رویس؛ برسنند مسینه‌کهن قلاده؛ تکلیف / ایله علی می‌لقفلی • اشعار فارسی گیلان سده هشم آناتولی در پیشک اشتوه (نسخه ۱۴۵)
کتابخانه‌ای لیدا) / احمد پیشی • نامه درودش کارزنی به سلطان‌الموسید گرگان و پیشنهاد اتحاد با سلطان‌محمد فاتح (کارلوی بر نقش سیلسی صوره در تحولات سده نهم هجری /
عادل‌التن شیخ‌الحکماء • سلسلت تاریخ‌گاری فارسی در دیوار سبلان یکم شله قلم و تکر الجواهر / فوقاد اینس • در آمادی بر شش‌های دویان عرضی شزاری در آسیای صخره /
فربنا شکوهی • معرفی کتاب «اسلام اثبات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی» نوشته‌الدرو سی. اس. پیکاک / داریله دروان‌گنگی (ایران‌گرانی با همکاری عباسی‌الکوی)
• کامی به کارکه‌های پاشنه‌ی در اوخر سده‌های میانه در جهان اسلام همان ایلی و شکل دادن بالاکوی حکمرانی عشقی / الدور پیکاک، زمده علی شاپوران • نقایی بر آناتولی
تصحیح دویان اشعار فارسی پاژور سلطان سلیم / اینها احمدی • شعر و شخصیت هعلم و غزلی از او در دویان سعیدی (پیوسنگی فرعونی شیرز و شیرزا) / محمود عابدی



فهرست

سرخن

آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی / اکبر ایرانی ۵-۳

پیکتار

فارسی: نخ تسبیح پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوران ۱۳-۶

رشد

ریشه‌شناسی ده نام حرف‌ای ایرانی مربوط به آذربایجان / علی اشرف صادقی ۲۲-۱۴
نام آذربایجان و یک نکتهٔ مختصر گویشی لغوی / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۲۹-۲۳
آسی‌ها و ایرانیان: عموزادگانی دور از هم با میراث مشترک باستانی / ریچارد فولتز؛ ترجمه: محمد تقی فرامرزی ۴۰-۳۰

آذربایجان و فتح‌هز

اعشار قطب‌اللّٰهین عتیقی اهربی (تبریزی) / بهروز ایمانی ۵۷-۴۱
درباره تاریخ مرگ سلمان ساوجی: آیا سلمان در صفر ۷۷۸ قمری در گلگشته است؟ / محسن شریفی صحنی ۶۰-۵۸
جلیس المشتاق: رمانسی کهن در بحر متقارب، در مسخ و تبدیل ابدان / مهدی بیلانی ۷۶-۶۱
ساقی تبریزی، نقال داستان‌های شاهنامه در تبریز دورهٔ قاجاری / سجاد آینلنلو ۸۲-۷۷

آناتولی

پند سلاطین روم: نصیحة‌الملوک‌ها در آناتولی اوایل قرن هفتم هجری / ای. سی. اس. پیکاک؛ ترجمه: شکوفه بیبدی ۱۰۹-۸۳
سه نامه به فارسی سره از سدهٔ هفتم در آناتولی در دست نوشته «نامه سلاطین» / مزمیر مشمشی ۱۱۷-۱۱۰
سلطان ولد و طریقت شاعرانه؛ پیکرندی خصوصیات و کارکرد شعر در سنت مولویه پس از مولانا رومی / فرانکلین لویس؛ ترجمه: متوجه بیکلی خمسه ۱۳۴-۱۱۸
بحثی دربارهٔ فرهنگ المراقابه‌منای نسخه‌ای کهن / علی شاپوران ۱۴۷-۱۳۵
سفینهٔ توحی و مجموعهٔ روحی؛ بررسی دو سفینهٔ کهن فارسی در حوزهٔ آناتولی / سید علی مرافضی ۱۶۰-۱۴۸
اشعار فارسی گویان سدهٔ هشتم آناتولی در چنگ آتش شهر (نسخهٔ ۱۰۴۲ کتابخانهٔ لین) / احمد بهنامی ۱۶۹-۱۶۱
نامهٔ درویش کازرونی به سلطان ابوسعید گورکان و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (گواهی بر نقش سیاسی صوفیه در تحولات سدهٔ نهم هجری) / عمامه‌الدین شیخ الحکمای ۱۸۰-۱۷۰
سیاست تاریخ‌نگاری فارسی در دریار سلیمان یکم؛ شاه قاسم و کنز الجواهر / فرقان ایشان ۱۹۰-۱۸۱
درآمدی بر شرح‌های دیوان عرفی شیرازی در آسیای صغیر / فریبا شکوهی ۲۰۰-۱۹۱

نهودربر

معرفی کتاب «اسلام، ادبیات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی» نوشتهٔ اندره سی. اس. پیکاک / داوید دوران-گلدی (فارسی‌گردانی با همکاری عباس سلیمانی آنگلی) ۲۰۴-۲۰۱
نگاهی به کتاب «بزنگاه پادشاهی در اوایل سده‌های میانه در جهان اسلام: مهاجران ایرانی و شکل دادن به الگوی حکمرانی عثمانی» / اندره پیکاک؛ ترجمه: علی شاپوران ۲۰۶-۲۰۵
تقدیم بر آخرین تصحیح دیوان اشعار فارسی یاوز سلطان سلیم / آینا احمدی ۲۱۸-۲۰۷

خترانی

شعر و شخصیت همام و غزلی از او در دیوان سعدی (پیوستگی فرهنگی تبریزو شیراز) / محمود عابدی ۲۲۶-۲۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میراث ایرانی

میراث

حافظ (با تخلص حسن)، ضیاءالدین منجم بخاری (با تخلص ضیا) و سید شرف الدین شیرازی (با تخلص شرف) و نیز کاتب (گردآورنده) نسخه، از جمله این پارسی گویانند. دیگر این که امیر ضیاءالدین طغرا بی از دولتمردان آن ناحیه و صاحب دیوان طغرا بوده است که شعر مدایح فارسی برای او می‌پرداخته اند، و نیز شرف الدین میرسویاشی از دیگر امراء ناحیه و ممدوح شاعران فارسی گوی و از ارادتمندان برخی از صوفیان بوده است که نامشان در این مجموعه ذکر شده است. عجالتاً در دو کتاب زبان و ادب فارسی در فلمرو عثمانی (ربایحی، ۱۳۶۹) و فرهنگ سخنوران (خیامبور، ۱۳۶۸) نام و نشانی از این شاعران و ممدوحان پیدا نیست. در ادامه به مناسبت مقال به این افراد خواهیم پرداخت.

نسخه توسط یک شخص، و البته با تعییر در سبک نوشتن و قلم و جوهر، کتابت شده است. کاتب (گردآورنده) چنگ، با توجه به قرایین فراوان موجود در این نسخه، از اهالی آسیای صغیر و آقشه (در نزدیکی قونیه) بوده است. گردآورنده این چنگ را برای استفاده شخصی خود و به احتمال زیاد در طول چند دهه نوشته است و از آنجا که زمان «سیدی محی الدین بن محمود» (د. ۷۳۱ق) را در کرده و به ظن قریب به یقین از مریدان وی بوده است، ولادت وی نباید بعد از از دهه دوم سده هشتم باشد. جدیدترین ماده‌تاریخی که در این نسخه موجود است در صفحه ۱۵۲، مربوط به ۷۶۱ق است به خط و سروهه گردآورنده؛ پس گردآورنده شاعر نیز بوده است. به جز ماده‌تاریخی که گفتیم، بیتی دیگر نیز از وی در صفحه ۲۴۱ این نسخه با عنوان «لکاتبه» آمده است:

ز اشتیاق چه گویم چو دل بنزد شماست
یکان یکان بتو گوید که حال من چونست

وابستگی وی به طریقه صوفیه رفاعیه از خلال این نسخه کاملاً هویداست. با وجود نزدیکی مکانی به قونیه و زندگی در نیمه نخست سده هشتم، نام و نشانی از مولوی بلخی و طریقت او در این اثر به چشم نمی‌خورد، اما از اقطاب طریقه رفاعیه در آسیای صغیر نام و آثار «سیدی محی الدین بن محمود رفاعی» و نیز نام پسرش، «شیخ علی»، به کرات در این چنگ درج شده است. از مشاهیر قونیه در سده

اشعار فارسی گویان سده هشتم آناطولی در چنگ آقشه (نسخه ۱۰۹۴ کتابخانه لیدن)

احمد بهنامی

استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی
ahmadbehnami@yahoo.com

یکی از ذخاییر ادب فارسی جنگی خطی است که به شماره Or.1094 در کتابخانه لیدن نگهداری می‌شود. این چنگ با توجه به خط و نگارش و نیز به دلایلی که در ادامه خواهیم آورد، قطعاً از سده هشتم هجری است. این نسخه ارزمند شامل مجموعه‌ای از اشعار و رسالات فارسی و عربی^۱ است که حجم بخش‌های فارسی آن فزونی دارد. کتابت نسخه در آسیای صغیر انجام یافته است و نگارنده مقاله حاضر نام «چنگ آقشه» را برای آن پیشنهاد می‌کند. در این نسخه نام و اشعار تعدادی از فارسی گویانی که در سده هشتم در آن ناحیه می‌زیسته اند به چشم می‌خورد. در فهرست کتابخانه لیدن این افراد تقریباً به تفصیل معرفی شده‌اند (WITKAM 2007: 37-38). محسن شریفی صحی نیز در کanal تلگرامی اش رباعی‌ای منسوب به خیام را از این نسخه نقل کرده (نک. ادامه) و نسخه و بخشی از محتوا و شعرای آن را توصیف کرده است.^۲ سیدی محی الدین بن محمود رفاعی (با تخلص ابن محمود و محیی)، نظام الدین حسن

۱. عمله بخش‌های عربی این نسخه نقل اشعار سنجر بن بهرام اربیل (د. ۶۴۲ق) است که شهرت فراوان دارد، از جمله اشعاری که در قالب ایرانی رباعی به زبان عربی گفته است و در این نسخه در صفحات ۸۹ تا ۹۱ با عنوان «الفصل السادس في التوبية» تعدادی از آن اشعار نقل شده است.

۲. این شاعران عبارتند از سعدی، مولانا، سید شرف الدین شیرازی -که احتمال داده صاحب تاریخ وصف باشد-، محی الدین ابن محمود رفاعی، ضیاءالدین منجم بخاری؛ نک. 225 (تاریخ انتشار: ۱۴۰۰)، آبان ۱۳۹۹؛ تاریخ نقل: ۱۱ تیر (۱۴۰۰).

(=پدید، ص. ۸، ص. ۱۹)؛ او میذ (ص. ۱۱۵)؛ و نکه (ونگه = وآنگه، ص. ۱۸۴)؛ پرده‌دری (ص. ۲۰۴)؛ طبیور (ص. ۱۳)؛ نمذینه (ص. ۱۹)؛ توند (= تواند، ص. ۱۵۴)؛ ویم (در مصرع: یاقبول ویم چه افزاید، ص. ۲۲۳).

در صفحه نخست این نسخه، نشانی از یکی از مالکان بعدی نسخه پیداست و آن این عبارت است به خط نستعلیق شکسته: «استصحبه الفقیر سید درویش»، و در انتهای نسخه، شعری آمده‌است که البته یک صفحه آن در صحافی جا به جا شده و به ابتدای نسخه رفته‌است. این شعر قابل توجه است، چه به شیوه مختلط عربی-فارسی است و نمونه ایات آن این است:

یا آب چشمی هل تسکن آتشاً
جگر الأثير کباب تف دخانه

برخی از اشعار و رسالات فارسی این جنگ

غالب رساله‌ها و اشعار این جنگ فارسی است. گردآورنده برخی از سرایندگان را در نسخه نام برده است، ولی گوینده بسیاری از ایات فارسی با وجود جست‌وجوی نگارنده در منابع چاپی و دیجیتالی روشن نشد و بسا که از شعرای کمنام سده هشتم باشند. آن دسته از شاعرانی که موفق به شناختن آنان شدیم عبارتند از: شیخ سعدی، حکیم فردوسی، نظامی گنجوی، سنایی غزنوی، رفیع الدین ابهری، ابن‌یمین فریومدی، صدر خجندي، ناصر خسرو، خیام، بوعلی سینا، اوحدالدین کرمانی، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، کمال الدین اسماعیل، خاقانی، قمری آملی و مجیر الدین بیلقانی. به‌جز شاعران هم عصر گردآورنده که در آناتولی بوده‌اند، جدیدترین شاعری که در جنگ آفسه‌ر اشعاری از وی آمده‌است ابن‌یمین فریومدی (۶۶۴-۷۴۶ق.) است.

در صفحه ۷، یازده بیت فارسی آمده‌است که دو بیت نخست از سعدی است و یک قطعه از ابن‌یمین فریومدی است و سرایندۀ سایر ایات شناخته نشد.

در صفحه ۸ این دو بیت بی ذکر نام گوینده آمده‌است:
کمر نبسته که دانذ که تو میان داری
سخن نگفته که دانذ که تو دهان داری

هفتم، نامه‌ای به فارسی از صدرالدین قونوی نیز در این جنگ کتابت شده است.

مشخصات ظاهری و رسم الخط نسخه

این نسخه نفیس با عبارت «الدرة اليتيمة» آغاز می‌شود- که ظاهراً اشاره به یکی از آثار ابن مقفع دارد- و نخستین عبارت آن این است:

لله در النبات فإنها
صدأ الليل و صيقل الأحرار

و در همان صفحه نخست سه بیت فارسی دارد که بیت سوم در ترمیم نسخه تقریباً از بین رفته است. تعداد صفحات دارای متن آن ۲۵۴ است. خط آن نسخه رایج در سده هشتم هجری است و با توجه به دیده‌های نگارنده مقاله حاضر از متون و نسخه‌های سده هشتم هجری، از جمله نسخه مناهج الطالبین فی عارف الصادقین موزخ ۷۸۱ق (میکروفیلم شماره ۱۳۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) و نسخه موهاب الهی متعلق به پیش از ۷۸۶ق (نسخه ادبیات ۲۴۲، دانشگاه تهران) تفاوت چشم‌گیری در رسم الخط این نسخه‌ها با نسخه جنگ آفسه‌ر به چشم نمی‌خورد. تعداد سطرها در صفحات مختلف متفاوت است، و برخی از عنوانین به شنگرف نوشته شده است.

کاتب این نسخه «ة» آخر کلمات را اغلب به همین صورت (ة گرد) نوشته است. قاعدة دال و ذال را در اکثر مواضع رعایت کرده است. در برخی موارد «س» را با گذاشتن علامتی شبیه ۷ بر آن مشخص ساخته است. «ی» انتهای کلمات را در برخی مواضع با گذاشتن دو نقطه در شکم یا بالای آن مشخص کرده است. «پ» را بیشتر اوقات با سه نقطه، اما «ج» را بیشتر مانند «ج» نوشته است و «گ» را مانند «ک». «آچه» را «آنچ/ آنج» نوشته است. هاء غیرملفوظ را گاهی در پیوستن به «ها»ی جمع حذف کرده است: «شکوفها». میانجی اضافه را همواره به صورت «ء» (یاء ابتر) نوشته است: «لواء منصور» و گاهی نیز آن را کلاً نیاورده است. این کاتب در نقطه‌گذاری نسبتاً ممسک است و کلمات فارسی مشکول نسخه اندک است. برخی از ضبط‌های جالب توجه این نسخه چنین است: بدید

روحانیان ز مقدم او شاذل شدند
در آفشه‌ر گرچه غریو است از عزا
سیدی کجاست تاکه بیند که عاشقان
جانها حريق و دیده غریقاند در بکا
چندین هزار خلق بیکبار ناله مند
خاص و عوام شهر چه کردند از ولا
روز عزاء او که حقیقت قیامتست
او با سرور رفته سوی قرب مصطفا
در حزن سروران و اخیان نامدار
در ماتم معظم سیدی شده دوتا

در صفحه ۱۰۹ نیز مرثیه‌ای دیگر برای سیدی محی‌الدین
از همین ضیاء منجم بخاری آمده است به مطلع:
بر فلک جون نظر افتاد مرا وقت سحر
دیلم اشکال عجایب ز مسیر اختر
که در این قصیده اطلاعاتی درباره سیدی محی‌الدین
آمده است:

محی‌ملة و دین سیدی ابن محمد
اقلام قوم رفاعی بصفات و کوهر
و باز از آسیای صغیر و آفشه‌ر قونیه که مسکن محی‌الدین
سیدی و لابد شاعر بوده است، و نیز از یکی از دولت‌مردان
آن ناحیه به اسم «شرف‌الدین میرسویاوشی اعظم» - که
ممدوح شاعر و مرید این سیدی محی‌الدین ابن محمد
رفاعی بوده است. چنین نام برده است:
روم در شیون او متحسن و رنجورند
آفشه‌ر از غم او سوخت دل و جان و جگر
خاصه مخدوم گرامی شرف دولت و دین
میرسویاوشی اعظم که چن نیست دگر
و از پسر سیدی، و نیز ضیاء‌الدین طغرا‌ایی - که پیش‌تر ذکر
او رفت که از دولت‌مردان آفشه‌ر بوده است. نیز چنین یاد
کرده است:

شکر حق را که ازو ماند پسر شیخ علی
تا بکرید بهم مرتب و جای پذر
صاحب دولت طغرا چو ضیاء‌الدین است
بنماید سوی او از سر اشفاق نظر

کمر بند و سخن گوی تا بید آیذ
که همچون نقطه دهان و چو خط میان داری
در همین صفحه ۸ این عنوان آمده است: «لضیاء‌الدین
المنجم البخاری فی مدح الامیر ضیاء‌الدین الطغرا‌ای» و
سپس یک قطعه و دو رباعی فارسی و یک قطعه ملمع
فارسی-عربی از وی نقل شده است و این دو رباعی فارسی
اوست:

تا هر سالی بعالی آید نوروز
هر لحظه ترا باذ بعشت نو روز
روز و مه و سال طبع تو خرم باذ
چون فصل بهار باش هر دم پیروز

من گرچه بمدح تو گهره‌بام
در کنه کمالت نرسد گفتار
پای از سر جاه بر رخ ماه نهم
چون دستاری ز خدمت دست آرم

از ملمع ضیاء‌الدین بخاری در مدح همین امیر ضیاء‌الدین
طغرا‌ایی، می‌توان دانست که طغرا‌ایی «ابن صاحب المرحوم»
بوده است؛ یعنی پدرش نیز از زمرة وزرای ناحیه بوده است،
چنان‌که عنوان «طغرا‌ایی» نیز بر منصب وی و پیشینیانش
- که احتمالاً ریاست دیوان طغرا بوده است - دلالت دارد و
در همین ملمع نیز از خود وی با عنوان «صاحب دیوان
طغرا» یاد شده است. مادح وی، ضیاء‌الدین بخاری - که در
صفحات دیگر این جنگ نیز اشعاری از وی نقل شده است -
قاعدتاً از فارسی‌گویان نواحی قونیه و آفشه‌ر در سده هشتم
بوده است، چرا که برای سیدی محی‌الدین (در گذشته ربيع
الاول ۷۳۱ق؛ نک. ادامه) مرثیه دارد. از صفحه ۱۱۲ جنگ
آفشه‌ر روشن می‌شود که نام کامل این شاعر «ضیاء‌الدین
بن ملک» است. در صفحه ۱۰۶ قصیده‌ای از وی آغاز
می‌شود در ۳۰ بیت با عنوان «لضیاء‌الدین المنجم سلمه الله
فی مرثیة المرحوم المغفور سیدی محی‌الدین قدس الله سره
العزیز» با مطلع:

یا قوم الغیاث ازین دهر پرجفا
وز گردش کواكب و افلک بی وفا
و در همین قصیده از آفشه‌ر قونیه چنین نام برده است:

شعاری از سید شرف الدین شیرازی از صفحه ۱۵۱ به بعد نگارش یافته است که در اشعار شرف تخلص می‌کرده است و زبانی استوار و ابیاتی لطیف دارد.^۳ نخست غزلی در ۱۰ بیت از وی نقل شده است و سپس رباعی ای و پس از آن ماده تاریخ در گذشت سیدی محبی الدین (۷۳۱ق) که زمان تقریبی حیاتِ شرف شیرازی را مشخص می‌سازد و پس از آن چند قطعه و رباعی و فرد و مجموع این ابیات ۲۷ بیت است و این شاعر در میان شعرای جنگ آتش شهر، از نظر زبان و قوت شعر، قوی‌ترین شاعر آن سده و آن ناحیه است. در صفحه ۱۵۷ ذیل عنوان «السید شرف الدین الشیرازی قدس الله سره» یک غزل و یک رباعی آمده است که این است آن غزل:

بیاییا که به رویت مرانیاز افتاد
مرو مرو که تنم بی تو در گذار افتاد^۴
فراق روی تو چون روی سوی من بنهد
دلم ز هرچه در آن خرمیست باز افتاد
تننم ز رنج فراقت بدان زری ماند
که ناگهان ز قضا در دهان گاز افتاد
امید صبر ازین پس ز من نشاید داشت
چو جای صبر ز عشقت بترك و تاز^۵ افتاد
همی بوصف نیاید حدیث درد دلم
از آن سبب که ترا کار جمله ناز افتاد
تویی که حسن و ملاحت حقیقت است ترا
حدیث حسن دگر دلبران مجاز افتاد
خيال و قامت رویت^۶ چوبر چمن بگذشت
سمن پسجده شد و سرو در نماز افتاد

۳. نام و نسبت و تخلص این شاعر و دوره زندگانی وی، یادآور ادیب شرف‌الدین و صناف شیرازی (متولد ۶۴۶ق) نویسنده و شاعر مشهور و صاحب کتاب تجزیه الامصار و ترجیه الاعصار (تاریخ وصفاف) است، جز این که از وصناf با عنوان «سید» یاد نشده است و سنای دال بر ارتباط او با رفاقتی به نظر نگارنده نرسیده است. ضمناً مرثیه کفتن وی برای شخصی در آسیای صغیر اندکی دور از ذهن است، مگر این که معلوم شود در این سال‌ها زنده و در این ناحیه بوده است (تاریخ وصفاف و قابع را تا سال ۷۲۸ روایت کرده است و در گذشت وصف الحضرة را نزدیک به این تاریخ دانسته‌اند).

۴. در نقل ایيات و عبارات، به اصل پاییند بوده‌ایم و اختلاف نقطه‌گذاری‌ها (مثلاً افاده/افتاده و دیگر دال‌های فارسی) ناشی از نایاکستی شیوه کاتب (گردآورنده) است.

۵. کذا؛ صحیح: ترک تاز.

۶. کذا؛ قاعدتاً «خيال قامت و رویت» صحیح است.

در همین قصیده و در صفحه ۱۱۰، نمونه‌ای قابل توجه از حذف شناسه به قرینه لفظی آمده است؛ یعنی بهجای «دیدم»، «دید» آورده است:

بعطارندگر یزم ز سر سرعت و دید
قلم از دست بیفکنده دریزه دفتر

پس از این قصیده، از صفحه ۱۱۶ مرثیه‌ای دیگر برای سیدی محبی الدین با عنوان «وله فی مرثیته فی ترجیع» کتابت شده که البته در قالب ترکیب‌بند است.

اما مرثیه دیگری برای محی‌الدین سیدی، سروده نظام الدین حافظ - که وی نیز از فارسی گویان نواحی قونیه بوده است، و چنان‌که از بیت آخر قصیده معلوم است حسن نام داشته و به اسم نیز تخلص می‌کرده است - از صفحه ۱۱۷

نسخه کتابت شده است که هم تاریخ وفاتِ سیدی
محی الدین را کاملاً مشخص می‌کند (۷۳۱ق) و هم ما را به
تاریخ کتابت این جنگ رهنمون می‌شود، که قطعاً پس از
۷۳۱ق و در همین سده هشتم است؛ چرا که دیگر مرثیه‌سرای
محی الدین - که همان «ضیاء الدین منجم» باشد - چنان‌که
بالاتر آمد توسط کاتب با دعای «سلّمه اللہ» (و در اینجا
می‌افزاییم که بار دیگر در صفحه ۳۱ با دعای «ادام اللہ فضایله» که آن
هم دعا برای زندگان است) یاد شده است. باری در این قصيدة
نظام الدین حافظ آمده است:

نه که گنجی بود و مددون شد بخاک آق شهر
روز جمعه آن شه احرار در بدالنهار
ثالث ماه ربیع الاول از هجرت بدنه
سال اندر هفتاد سه و یک آخر در شمار

مرثیه‌ای دیگر از ضیاءالدین منجم، در صفحات ۱۲۴ تا ۱۲۶ نگاشته شده است و این شعر در رثای مولانا شمس الدین الششتاری است. از این قصیده چنین برمی‌آید که شمس الدین شوستری - که شاعر از وی با عنایتی نظیر «عالِم علامه» و «رئیس الحکما» یاد می‌کند - از صوفیان زمان بوده است و به تدریس شرح تعریف و دیگر کتب مشغول بوده است و وی ظاهراً همان «شمس الدین التستیری» است که در شرح منازل السائرين کتابی دارد و شیروانی «به نقل از مقدمه بورکی بر منازل» اطلاع داده است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه فاتح استانی بوده است (شیروانی، ۱۳۷۶: ۱۵).

پیش از نام اقطابِ رفاعیه نیافت، اما از آنجا که می‌دانیم (برای نمونه نک: نحوی، ۱۳۹۳: ۱۵۲؛ میرزا محمدصادق اصفهانی، ۱۳۲۴: ۲۹) مؤسس طریقتِ رفاعیه به «سیدی احمد» مشهور بوده است، می‌توان دریافت که شاخص «سیدی» برای اقطاب این سلسله به کار می‌رفته است. باز چنان‌که از اشعارِ جنگ آتش‌هر روشن است، پس از وی پرسش سیدی شیخ علی (د. ۷۶۱ق) جانشین وی شده است. نمونه‌ای از اشعارِ محی‌الدین را در اینجا نقل می‌کنیم:

قومی که از نسیم تو بوسی شنیده‌اند
از غصه دو کون بکلی رهیده‌اند
از غیر دوست دیده و دل پاک کرده‌اند
زانگه که در ضمیر خیال تو دیده‌اند
بی‌خود کبوتران هواست ز برج عجب
اندر فضای نیستی^۸ خوش خوش پریده‌اند
ایشان ربوده‌اند ز میدان عشق گوی
کاندر کف نیاز چو چوگان خمیده‌اند
و آنان که آشنای سگ کوی تو شدند
از خویش و غیرخویش چو آهو رمیده‌اند
و آنان که در حریم عنایت درآمدند
زنار کبر را ز میانشان بریده‌اند
اشعار ابن محمود اندر سمع عشق
کروبیان عالم علوی شنیده‌اند

در صفحه ۱۱ «و له ايضاً في مدح النبي عليه السلام» آمده است و پس از آن «و له في شکایة الدهر الملمع» که نسبت به دیگر اشعارِ سیدی محی‌الدین قوی‌تر است و سوز عاطفی خاصی دارد. اینک چند بیت از آن:

انیسُ ليس فی هذا المكان
یفرُ القلب ممّن فی الزَّمان
ندارم غمگساري در زمانه
از آن گریز دو چشم جاودانی

سید احمد رفاعی، از نوادگان امام موسی کاظم است (افشاری، ۱۳۹۸: ۶۱)، با توجه به تغییر تلفظ این واژه، ضبط این واژه به صورت سیدی در همه موارد در رساله‌ای فارسی متعلق به این طریقت که مهران افشاری تصحیح و منتشر ساخته است (افشاری: ۱۳۹۸) می‌تواند محل شک و تردید باشد، مگر این‌که در نسخه در دسترس او با تشدید ضبط شده باشد.

۸. کوتاه تلفظ شدن یا انتهای کلمات در شعر، باز هم در این نسخه نمونه دارد.

جمال جملهٔ خوبان ز عکس چهرهٔ تست
خنک کسی که دلش با تو دلنوواز افتاد
از آن زمان که شرف پای مال عشق تو شد
بنزد جملهٔ عشاقد سرفراز افتاد

مجددًا در صفحه ۲۰ غزلی دیگر از همین شاعر درج شده است و این است آن غزل:

ای ز رویت گشته ظاهر گلشن اندر ماه دی
وی ز لعلت گشته مضمر شکر اندر عقد نی
در بهای یک شکر زان پسته خندان تو
هیچ باشد ملک مصر و خوار باشد ملک ری
سر و پیش قامت بسته میان بندگی
وز خجالت نزد رویت ماه گردون کرده خوی
لעה‌ای از عکس رویت ناگهان بر گل فتاد
ز آن سبب کردند جمعی نسبت خوی به وی
ای شرف بر بوسی وصلش بیش ازین سودا مپز
این هوس تا چند باشد وین تمثیله کی

در صفحه ۱۰ این عنوان آمده است: «لسیدی محی‌الدین قدس الله سره العزیز» و ۴ شعر، از جمله یک ترجیع، از وی نقل شده است. نام این سیدی محی‌الدین بن محمود رفاعی در این جنگ فراوان آورده شده است. وی، چنان‌که از شاخص «سیدی» - که پیش از نام وی (و فرزندش که بعد از وی جانشین وی شده است؛ نک. ادامه) آمده است - می‌توان دانست، از اقطابِ طریقتِ رفاعیه در آسیای صغیر در نیمة نخست سده هشتم است. توضیح این‌که نگارنده در منابع در دسترس، از جمله مقالاتِ موجود در نورمگز و نیز کتاب‌های موجود در نورلایب، از جمله مدخل «رفاعیه» در دانشنامه جهان اسلام، مطلبی دربارهٔ شاخص «سیدی»^۷

۷. از جنگ آتش‌هر می‌توان دانست که تلفظ این واژه دست‌کم نزد گویندگان آن دوران و آن ناحیه، «سیدی» بوده است: اول این‌که در بعضی از صحفات این جنگ (نظیر صفحه ۱۰) صراحتاً به همین شکل مشکول شده است؛ دوم وزن ابیاتی که لفظ سیدی در آن‌ها آمده است گواه این تلفظ است، از جمله «سیدی کجاست تا که ببیند که عاشقان...» (ص ۱۰۸)، «ای عاشقان چو سیدی علی یادگار اوست...» (ص ۸۰: «ع» از تقطیع ساقط است)، «بکجا رفت بین سیدی ما محی (= محیی) دین...» (ص ۱۱۴) و ... (در بیتی که پیش تر نقل شد، یعنی «محیی ملة و دین سیدی ابن محمود»، هر دو صورت سیدی و سیندی محتمل است). گرچه صحیح است که شاخص «سیدی» یادگار مؤسس این سلسله،

در موسم گل جدا ز معشوق
مستدرک دان ز روی معنی
کایام ریبع و نوبهاران
بی روی نگار نیست خندان

در صفحه ۱۶ این رباعی از گوینده‌ای نامعلوم درج است:

نقاش ازل تا دل من خون نشود
وین رنج دلم چو حست افزون نشود
از مشک خطی بگرد روی تو کشید
تا حسن تو از دایره بیرون نشود

در صفحه ۱۸ ذیل عنوان «فصل»، تحمیدیه‌ای آمده است که دانسته نیست از چه کتابی است، و در صفحه بعد بخشی دیگر از این کتاب آمده است که روایت نزول آیه «و يؤثرون على أنفسهم ولو كان بهم خصاصة» است که نگارش آن نیمه تمام در صفحه ۲۱ رها شده است. این متنی است که نویسنده در آن سعی بر هنرنمایی‌های لفظی داشته و فراوان تناسبات لفظی به کار برده است و در این راه چندان موفق نبوده است.

در صفحه ۲۱ آمده است: «من كلام الإمام المرحوم السعيد الشهيد جلال الدين عبد الملك الوركاني تغمّدَه الله بالرضوان» و بخشی از رساله‌ای فارسی از وی (که در گذشته ۵۷۳ق است) آمده است.

باز در صفحه ۲۸، ذکری از سیدی محی الدین و اشعاری از وی آمده است؛ چنان‌که می‌گوید:

وقتی که مفخر الفتیان اخی جاروق رحمه الله از قونیه این بیت را مصحوب شیری قال گردانید بحرمه سیدی محی الدین رحمه الله بیت:

هرکس که مرابدیذ با داغ تو گفت
کس بنده با داغ نیارست خرید
فاجابه سیدی محی الدین قدس الله سرّه:
چشمی تو! که بی تو هیچ می‌توان دید
بر چشم کسی نه داغ دید و نه شنید
از بندگی و داغ گذر باید کرد
لیکن به ازین کار بباید بگزید

از مجموع این گفته‌ها می‌توان ارتباط اخی جاروق را با

لمن اشکو بلیاتی فُقل لى
عیونی ما رأت عیناً ترانی
جو تنها باینم بوذن بدنبی
چه فرق از مرگ من با زندگانی
اما لله هری ان کل یوم (کذا)
سهام الحزن ماطرَة رمانی
ز جور روزگار ظلم پیشه
دریغا پیر گشتم در جوانی
اغنی یا مُغیثی فی عنای
اعنی یا مُعینی فی هوانی
خذایا چاره ما کن بفضلت
که هم می‌دانی و هم می‌توانی

پس از این، در صفحه ۱۲ «وله الترجيع فی صفة الربيع» آغاز می‌شود که قوافی بنده اوی آن یادآور قوافی شعر رابعه قداری^۹ است و نشان می‌دهد که در آسیای صغیر نیمة قرن هشتم یاء مجھول هنوز در قافیه رعایت می‌شده است و به عنوان روحی کاربرد داشته است:

آراسته شد جهان دنیا
گلبرگ بیاع کرد مأوى
گلهاء ملوون از لطافت
رخشنه بسان دست موسی
بر پشت زمین بساط منقوش
خوشتر ز نگارهای مانی
لالست سیاهدل چو مجنون
وز تازگی ارغوان چو لیلی
امروز ز غلغل طیورست
صhra چو بکعبه عید اضحی
اشجار کشیده از تکبر
یکسر همه سر بچرخ اعلی
در پای درخت نرگس مست
بنهاده ز سرکلاه دعوی
ابنای نبات بی پذر بین
موجود شنند همچو عیسی

^۹. به مطلع «ز بس گل که در باغ مأوى گرفت/ جهان رنگ ارتنگ مانی گرفت».

زرفدا کرده وز جزع گهر باریده
عشق یاقوت ترا از بن دندان دیدم

از صفحه ۳۲ نامهای از صدرالدین قونوی با عنوان «مکتوب شیخ الاسلام صدرالحق و الدین قدس الله روحه بخدمه خواجه نصیرالدین الطوسی نور الله ضریحه» آغاز می‌شود و از صفحه ۳۴ «جواب خواجه نصیر بخدمه شیخ صدرالدین قدس الله سرّه» شروع می‌شود.

در صفحه ۴۰ دو رباعی آمده است که نخستین رباعی که تنها عنوان «دیگر» دارد در برخی از منابع به خیام منسوب شده است:

آنکو بسلامتست و نانی دارد
وز بهر نشت آشیانی دارد
نه خادم کس بوذنه مخدوم کسی
گو خوش بنشین کی خوش جهانی دارد

و رباعی دوم - که آن نیز بدون اسم سراینده است - از صدر حجندي، شاعر سده ۶، است (نک. شروانی، ۱۳۷۶: ۲۰۸) :

بختش یارست هر که بایار بساخت
برداشته کام هر که با کار بساخت
مه نور بذان گرفت کز شب نرمیز
گل بوی بذان یافت که با خار بساخت

و در صفحه ۴۱ نیز این رباعی با عنوان «دیگر» آمده است، که نیز منسوب است به خیام:

کراز پی شهوت و هوا خواهی رفت
از رحمت حق توبی نواخواهی رفت
بنگر که کیی و از کجا آمده
می دان که چه می کنی کجا خواهی رفت

در حاشیه همین صفحه سه بیت از یک غزل نوشته شده است که شاعر آن شناخته نشد.

در صفحه ۴۲، ملمعی بدون عنوان آمده است:

نشر الصبح رايد النور
فادرهما کدمع مهجور
هین که مخمور غمزه تو شدم
برکفم نه علاج مخموری

اخیان و فتیان و رفاعیان آقشهه دانست، و این اخی جاروق به احتمال قریب به یقین همان کسی است که ابن بطوطه از وی یاد کرده است و در شهر نکده از شهرهای شمال سرزمین عراق ساکن بوده و در آنجا زاویه‌ای داشته است و ابن بطوطه که پس از خروج از آقسا به نکده وارد شده، به زاویه وی فرود آمده و سه روز در آنجا اقامت کرده است و اخی جاروق، چنان‌که عادت فنیان است، وی را بزرگ داشته و از وی پذیرایی کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۹۲). چنان‌که پیداست، در زمان تدوین این بخش از جنگ آقشهه اخی جاروق وفات یافته بوده است. از اخی جاروق نامی نیز در حوادث سال ۹۸۶ یاد شده که شراب‌سالار را به فرمان سلطان علاء الدین فرامرز [سلجوکی] در دوشنبه ششم ماه محرم با همدستی اعیان شهر قونیه به قتل رسانده است (تاریخ آل سلجوک، ۱۳۷۷: ۱۳۲) که ممکن است همین شخص باشد.

باز در صفحه ۲۹ دو قطعه از سیدی محی الدین در هشت و سه بیت نگارش یافته است. و در صفحات ۱۰۴ تا ۱۰۶ قطعه‌ای در توصیه‌های طبی از همو آمده است که در پایان قطعه دو بیت دارد که بیانگر رواج زیان فارسی در میان مردم آن ناحیه و فارسی دان بودن عامه اهالی آن جاست:

این وصیتها بنوشوان عادل کرده است
آن حکیمی کش بیاذق نام او بود ای امیر
قطعه بود این بتازی ابن محمودش چودید
پارسی کردش که هر کس را بماند در ضمیر

در صفحه ۳۱ غزلی از ضیاء منجم بخاری - که از او یاد کردیم - آمده است:

تاترا قامت چون سرو خرامان دیزم
بر سر سرو خرامان مه تبان دیزم
سرورا پای بگل باشد و دل دست تهی
سرور سیمین ترا رخ چو گلستان دیزم
چشم سرمست تو چون کرد نظر جانب من
همچو زلفین تو دل مست و پریشان دیزم
هست یاقوت ز کان در بیقین از دریا
من ز لبهای تو یاقوت درافشان دیزم

از مولانا (نک. ادامه) دانسته و آن را در هیچ منبع دیگری نیافته است. این رباعی در دو کتابی که سید علی میرافضلی درباره رباعیات خیام تألیف کرده نیز نیامده است و تا جایی که نگارنده این سطور بررسی کرده نیز در هیچ منبع دیگری به چشم نمی خورد. با توجه به کهنگی نسخه جنگی آقشهر و نیز زبانِ کهنِ رباعی و مضمون آن و همچنین چهارقافیه‌ای بودن آن - که آن هم نشانی از کهنگی دارد - باید آن را رباعی قابل توجهی دانست. رباعی ای با مضمون و محتوا و قافیه‌های مشترک با این رباعی که در کلیات شمس آمده این است:

این عرصه که عرض آن ندارد طولی
بگذار عمارتش بهر مجھولی
پولیست جهان که قیمتش نیست جوی
یا هست ریاطی که نیرزد پولی

(مولوی، ۱۳۷۸: ۳۱۰/۸)

قدیم‌ترین نسخه تاریخ‌دار کلیات شمس که این رباعی را دارد متعلق به سال ۷۲۳ق است، و چنان‌که گفتیم در جنگ آقشهر اثری از نام مولوی و طریقت و اشعار وی نیست؛ ازین رو نقل آن از رباعیات مولوی به توسط گردآورنده این جنگ بسیار بعید است، و تاریخ گردآوری جنگ آقشهر نیز، چنان‌که گفتیم، بسیار به تاریخ کتابت غزلیات و رباعیات شمس تبریزی نزدیک است. صورت مندرج در جنگ آقشهر از هر نظر کهن‌تر است و عجالتاً باید در انتساب آن به مولوی تردید داشت یا چنین فرض کرد که مولوی در این مورد هم رباعی کهنه را اقتباس و زبانش را به زبان عصر خود نزدیک‌تر کرده است.

در صفحات ۱۸۷ و ۱۸۸ دو قطعه و یک بیت (جمع‌آهی) از مقامات قاضی حمید‌الدین بلخی، بی ذکر نام گوینده، آمده است.

در صفحه ۱۹۵ سه بیت از فردوسی، باز بدون ذکر نام سراینده آمده است.

در صفحه ۲۴۵ نیز دو رباعی و یک قطعه دویتی باز بدون نام سراینده آمده است که این رباعی نیز از رباعی‌های منسوب به خیام است:

دست صبراً اذا المدام دنا
فاما الصبر غير مقدور
تاعنان از توبرناتاب عمر
برمتاب از شراب انگوری

در صفحه ۹۹ رباعی ای و در حاشیه صفحه ۱۰۰ نیز رباعی دیگری نوشته شده است.

در صفحه ۱۲۷ در زیر اشعار سعدی و ناصر خسرو، آمده است:

بوعلی سینا

چون بود کامل کسی در خطه کون و فساد
کو نداند چون درآمد یا ازینجا چون شود

در صفحه ۱۵۲، در کنار ماده‌تاریخی که از ضیاء‌الدین المنجم البخاری در وفات سیدی محی‌الدین نقل شده است، در هامش «تاریخ ابنه المرحوم اوحد الدین سیدی علی نور اللہ ضریحه لکاتبه» آمده است که به تاریخ نهم شوال ۷۶۱ق بوده است و این نشان می‌دهد که گردآورنده دست‌کم تا این سال در قید حیات و مشغول افزودن مطالبی به نسخه بوده است.

در صفحه ۱۵۳ نقل اشعار اوحد الدین کرمانی (سده ۶ و ۷) آغاز می‌شود که مقداری از آغاز غزل‌ها و چند قطعه و رباعی است.

در صفحه ۱۶۴ دو بیت از خاقانی آمده است.

در صفحه ۱۸۴ دو رباعی فارسی آمده است؛ نخست از «ولد مرحوم شمس‌الدین صاحب‌دیوان» و آن این رباعی است:

از آب هنر آتش مجھولی به
فارغ کنجی ز گنج مشغولی به
اندر کف او مبادز جز باذ که گفت
خاک عمل از عنبر معزولی به
دیگر با عنوان «عمر خیام فرماید»:

دل در دنیا نیست جز مجھولی
زین بی‌خردی ز عافیت معزولی

دنیا چو ریاطیست بسان پولی
ونگه (اصل: ونکه) چه ریاطی که نیرزد پولی

شریفی صحی (همانجا) این رباعی و رباعی هم قافیه آن را



می‌شویم که جملگی در سال ۷۳۱ق زنده بوده‌اند. شیخ شمس‌الدین شوشتري، شارح منازل السائرين، از علمای صاحب تدریس آن روزگار در آن ناحیه بوده‌است که در سوک وی مرثیه فارسی گفته‌اند. امraiی نظری میرسوپاشی، و ضیاء‌الدین طغایی که صاحب دیوان طغرا بوده‌است نیز در این شهر بوده‌اند که از حامیان شعر و ادب فارسی بوده‌اند و شاعراً اشعاری در مدح ایشان دارند.

منابع

- ابن‌بطوطه (۱۳۳۷). سفرنامه. ترجمهٔ محمدعلی موحد. تهران: بنگاه نشر و ترجمة کتاب.
- تاریخ آل‌سلجوچ در آناتولی (۱۳۷۷). از مؤلفی ناشناخته زنده در ۷۶۵ق. تصحیح نادره جلالی. تهران: میراث مکتوب.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۶۸). فرهنگ سخنواران. تهران: طلايه.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. تهران: پاژنگ.
- شیروانی، علی (۱۳۷۶). «پیشگفتار» بر منازل السائرين عبدالله انصاری. قم: دارالعلم.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۸). کلیات شمس. به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: امیرکبیر.
- میرافضلی، سید علی (۱۳۸۲). رباعیات خیام در منابع کهن. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ——— (۱۳۹۹). رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی. تهران: سخن.
- میرزا محمدصادق اصفهانی (۱۳۲۴). «نسخ خطی: از کتاب شاهد صادق». یادگار، ش ۲ (پیاپی ۶): ۲۰ - ۳۰.
- نحوی، اکبر (۱۳۹۳). «شاعران منطقه فارس در تذكرة عرفات العاشقین». آینهٔ میراث، ش ۳۵: ۱۴۱ - ۱۵۵.
- WITKUM, Jan Just (Compiled) (2007). *Inventory of the Oriental Manuscripts of the Library of the University of Leiden, vol. 2: Manuscripts Or. 1001-Or. 2000 Registered in Leiden University in the Period Between 1665 and 1871*. Leiden: Ter Lugt Press.
- <https://t.me/gahnameyeadabi>

یادداشت‌های انتقادی و ادبی محسن شریفی صحی

چون نیست ز هرچه هست جز باد بدست
چون هست ز هرچه نیست نقصان و شکست
انگار که هرچه هست در عالم نیست
وانگار که هرچه نیست در عالم هست

در جمع‌بندی آنچه در این مقاله گفته‌یم، می‌توان گفت جُنگ آق‌شهر که نمونه‌ای از حیات ادبی و فرهنگی زبان فارسی در سده هشتم هجری در آناتولی است، گردآورده شخصی باذوق و شاعر (ولادت پیش از دهه دوم سده هشتم زنده در ۷۶۱) از اهالی آق‌شهر آناتولی است که به تدریج و برای استفاده شخصی خود ایات و رساله‌های مختلف فارسی و عربی را در آن نوشته‌است. از شاعران و نویسنده‌گان شهیر فارسی‌گو ابیاتی از فردوسی، سعدی، خاقانی، نظامی، سنایی غزنوی، ابن‌سینا، صدرالدین قونوی، قاضی حمید الدین بلخی، اوحد الدین کرمانی، خیام، خواجه نصیر الدین توosi، عبدالملک ورکانی، جمال الدین عبدالرزاق، کمال الدین اسماعیل، رفیع الدین ابهری، مجیر الدین بیلقانی، قمری آملی و... برخی ایات و اشعار در آن درج شده‌است و یک رباعی نیز به نام خیام در این جُنگ ضبط شده که تا کنون در منابع شناخته شده به نام وی دیده نشده‌است. از محتویات این جُنگ برمی‌آید که علی‌رغم نزدیکی مکانی به پیروان طریقت مولویه، ذکری از مولوی بلخی و اشعارش در این جُنگ نیست. گردآورنده آن به طریقت صوفیه رفاعیه متعلق یا دل‌بسته بوده‌است، و قطب رفاعیان در آن زمان در آق‌شهر سیدی محی‌الدین بن محمود رفاعی بوده که خود با تخلص‌های «محیی» و «ابن‌ محمود» اشعار فارسی می‌سروده‌است و با اخی جاروچ از اخیان قونیه مکاتباتی داشته‌است. وی در ۷۳۱ق در گذشته و پس از وی پسرش شیخ علی (سیدی علی) جانشین وی شده که وی نیز در سال ۷۶۱ق در گذشته‌است. همچنین از شعراً پارسی‌گوی آناتولی در سده هشتم، از ضیاء‌الدین بن ملک منجم بخاری متخلص به ضیاء، سید‌شرف‌الدین شیرازی متخلص به شرف، نظام‌الدین حسن حافظ متخلص به حسن آگاه

Table of Contents

Editorial

- Azarbajian and the History of Persian Language and Culture/ **Akbar IRANI** 3-5

Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbajian and Anatolia Studies together / **Ali SHAPOURAN** 6-13

The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbajian / **Ali Ashraf SADEGHI** 14-22
The Name Azarbajian and a Brief Phonetic Lexical Point / **Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI** 23-29
The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / **Richard Foltz**; Translated by **MohammadTaqi FARAMARZI** 30-40

Azarbajian and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / **Behrouz IMANI** 41-57
On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / **Mohsen SHARIFI SAHI** 58-60
Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / **Mahdi YEILAGHI** 61-76
Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / **Sajjad AYDENLOO** 77-82

Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The “Mirrors for Princes” of Early Thirteenth-century Anatolia / **Andrew C. S. PEACOCK**; Translated by **Shokoofe MAYBODI** 83-109
Three Letters in “Pure Persian” from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / **Maryam MIRSHAMSI** 110-117
Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised) / **Franklin LEWIS**; Translated by **Manouchehr BIGDELI KHAMSE** 118-134
A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / **Ali SHAPOURAN** 135-147
Safīna-yi Nūhī va *Majmū'a-yi Rūhī*: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / **Seyyed Ali MIRAFZALI** 148-160
The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Âq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / **Ahmad BEHNAMEI** 161-169
A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conqueror): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / **Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI** 170-180
The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / **Furkan İŞİN** 181-190
An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfī-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / **Fariba SHOKUHI** ... 191-200

Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **David DURAND-GUÉDY** (Review) 201-204
Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **Andrew C. S. PEACOCK** (Review) 205-206
A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / **Anita AHMADI** 207-218

Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / **Mahmoud ABEDI** 219-226

Gozareh-e Miras
Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology
Third Series, vol. 4, no. 3 - 4, Autumn 2019 - Winter 2020
[Pub. Autumn 2021]
**Dedicated to History of Persian Language and Culture
in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia**

Properietor:
The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:
Akbar Irani

Assistant Editor:
Masoud Rastipour

Guest Editor:
Ali Shapouran

Managing Editor:
Younes Taslimi-Pak

Cover:
Mahmood Khani

Print:
Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519
Tel: 66490612, **Fax:** 66406258
Website: www.mirasmaktoob.ir
E-mail: gozaresh@mirasmaktoob.ir

| Dedicated to History of Persian Language and Culture in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia |

Table of Contents

Editorial

- Azarbaijan and the History of Persian Language and Culture / Akbar IRANI 3-5

Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbaijan and Anatolia Studies together / Ali SHAPOURAN 6-13

The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbaijan / Ali Ashraf SADEGHİ 14-22
 The Name Azarbaijan and a Brief Phonetic Lexical Point / Seyyed AhmadReza QAEEMQAQAMI 23-29
 The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / Richard FOLTZ; Translated by MohammadTaqi FARAMARZI 30-40

Azarbaijan and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / Behrouz IMANI 41-57
 On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / Mohsen SHARIFI SAHI 58-60
Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / Mahdi YEILAGHI 61-76
 Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / Sajjad AYDENLOO 77-82

Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The "Mirrors for Princes" of Early Thirteenth-century Anatolia / Andrew C. S. PEACOCK;
 Translated by Shokoofe MAYBODI 83-109
 Three Letters in "Pure Persian" from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / Maryam MIRSHAMSI 110-117
 Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised)/
 Franklin LEWIS; Translated by Manouchehr BIGDELI KHAMSE 118-134
 A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / Ali SHAPOURAN 135-147
Safīna-yi Nūhī va Majmū'a-yi Rūhī: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / Seyyed Ali MIRAFZALI 148-160
 The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Āq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / Ahmad BEHNAMI 161-169
 A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conquerer): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI 170-180
 The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / Furkan İŞİN 181-190
 An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfi-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / Fariba SHOKUHI 191-200

Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / David DURAND-GUÉDY (Review) 201-204
 Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / Andrew C. S. PEACOCK (Review) 205-206
 A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / Anita AHMADI 207-218

Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / Mahmoud ABEDI 219-226